

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: پراکش کارات، دبیرکل حزب کمونیست هند (مارکسیست)
فرستنده: علی مشرف
۲۳ اپریل ۲۰۲۰

به مناسبت صدوپنجاهمین سالگرد تولد لنین



اپریل ۲۰۲۰، صدوپنجاهمین سالگرد تولد ولادیمیر ایلچ لنین، بزرگترین چهره انقلابی قرن بیستم است. لنین پس از مارکس و انگلس، بزرگترین نقش را در تئوری و عمل مارکسیسم داشت. پیشروی‌های تئوریک پیشگامانه لنین، مانند تحلیل از امپریالیسم، صحنه را برای نخستین انقلاب سوسیالیستی جهان در روسیه در اکتوبر ۱۹۱۷ آماده کرد. در این روزهای همه‌گیری، ببانید مشاهدات دایمانه لنین را درباره امپریالیسم، و تلاش‌های خستگی‌ناپذیر او را برای ایجاد یک نظام انسانی-سوسیالیسم- در اتحاد شوروی به یاد آوردیم.



۲۲ اپریل ۲۰۲۰، صدوپنجاهمین سالگرد تولد ولادیمیر ایلیچ لنین، بزرگترین چهره انقلابی قرن بیستم است. لنین پس از مارکس و انگلس، بزرگترین نقش را در تئوری و عمل مارکسیسم داشت. پیشروی‌های تئوریک پیشگامانه لنین، مانند تحلیل از امپریالیسم، صحنه را برای نخستین انقلاب سوسیالیستی جهان در روسیه در اکتوبر ۱۹۱۷ آماده کرد. لنین ستراتیژی انقلابی را تدوین نمود که دربرگیرنده پرولتاریای صنعتی و خلق‌های مستعمرات و کشورهای تحت ستم بود. اتحاد کارگر-دهقان یک جنبه دیگر این ستراتیژی بود. در حوزه عمل انقلابی، لنین برای نخستین بار نقش سازمان حزب انقلابی را به مثابه پیشاهنگ طبقه کارگر نشان داد. لنین بی‌وقفه برای حراست از ماهیت انقلابی طبقه کارگر علیه همه شکل‌های رفرمیسم و سازش طبقاتی مبارزه کرد. لنین به مثابه رهبر حکومت جدید-اتحاد شوروی-گرچه برای یک دوره کوتاه، برای جهت دادن به ساختمان سوسیالیسم در رویارویی با مشکلات بی‌شمار تلاش نمود. آن تجربه برای آینده بسیار اهمیت داشت. در این بزرگداشت مختصر، ما سهم آغازگر لنین را در شناختن امپریالیسم، اهمیت معاصر آن، و سهم لنین و حکومت جوان شوروی را در مقابله با بیماری بررسی می‌کنیم.

امپریالیسم امروز

گرچه مارکس برقراری سرمایه‌داری را به مثابه یک نظم جهانی پیش‌بینی نمود، اما فقط پس از مرگ او بود که سرمایه‌داری به مرحله سرمایه‌داری انحصاری رشد کرد. تسلط لنین بر تئوری او را قادر ساخت چگونگی رشد امپریالیسم را به مثابه یک نظام جهانی، به علت الزامات درونی سرمایه‌داری انحصاری ببیند، و تئوری امپریالیسم را با ستراتیژی و تاکتیک‌های انقلاب پرولتاری جهان ادغام نماید. شناخت ژرف لنین از امپریالیسم او را به نخستین مارکسیستی تبدیل کرد که از درک متعارف که می‌گفت یک انقلاب سوسیالیستی فقط در جوامعی امکان‌پذیر است که گذار به سرمایه‌داری کاملاً توسعه یافته را طی کرده باشند، گسست. لنین این را برجسته نمود که توسعه نامتوازن سرمایه‌داری در دوران امپریالیسم پیروزی انقلاب سوسیالیستی در یک کشور از نظر رشد سرمایه‌داری عقب‌مانده را ممکن ساخته است. در دوران امپریالیسم، انقلاب در هر جا که ضعیف‌ترین حلقه زنجیر جهانی استثمار سرمایه‌داری بتواند شکسته شود، می‌تواند رخ دهد. این لنین بود که پس از آغاز جنگ جهانی اول، که نتیجه رقابت درون-امپریالیستی بود، روسیه تزاری را ضعیف‌ترین حلقه در آن زنجیر توصیف نمود. شناخت لنین از امپریالیسم شالوده پیوند مبارزات طبقه کارگر کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری با مبارزات رهایی‌بخش ملی مردم مستعمرات را فراهم نمود. فقط با ساختمان بر شالوده تئوری لنینی از امپریالیسم است که ما می‌توانیم امروز با واقعیت سرمایه‌داری جهانی شده مقابله نمائیم. از زمانی که لنین امپریالیسم را تحلیل نمود تغییرات بزرگی در ماهیت سرمایه‌داری رخ داده است. طی سه دهه گذشته سطوح عظیمی از تمرکز و مرکزیت سرمایه به وجود آمده است. این سرمایه‌داری در طلب سود خود به دنبال دسترسی نامحدود در سراسر جهان است. این مالی شدن سرمایه در کنار سیاست‌های نولیبرالی پی‌آمدهای جدی برای حاکمیت اقتصادی و سیاسی ملت-دولت‌ها و برای زندگی زحمتکش‌شان داشته است. این تغییرات بدین معنی نیست که در ماهیت تجاوزگرانه و غارتگرانه امپریالیسم وقفه‌ای وجود دارد. تضادهای درون-امپریالیستی به جنگ‌های بین قدرت‌های امپریالیستی نینجامیده است، اما سرکرده بلوک امپریالیستی، ایالات متحده، علیه مبارزات رهایی‌بخش ملی جنگ به راه انداخته و ائتلاف‌های امپریالیستی برای مقهور ساختن کشورها و برقرار نمودن

سلطه خود علیه آن‌ها جنگ به راه انداخته است. ایالات متحده از محاصره اقتصادی و تحریم‌های زورگویانه علیه کشورهایی که سد راه طرح‌های سلطه‌طلبانه آن شوند، استفاده می‌کند.

ماهیت غارتگرانه امپریالیسم در مصادره و انباشت سرمایه از طریق مصادره و استثمار منابع کشورهای در حال توسعه؛ در سیاست نولیبرالی انتقال خدمات اساسی مانند بهداشت و آموزش و تسهیلات عمومی مانند آب و برق به بخش خصوصی؛ و در تشدید استثمار زحمتکشان در همه کشورهای سرمایه‌داری دیده می‌شود.



همه‌گیری آنفلوآنزا ۱۹۱۸-۱۹

ما ۱۵۰-مین سالگرد تولد لنین را زمانی جشن می‌گیریم که جهان در چنگال همه‌گیری کووید-۱۹ گرفتار است. مردم در ۱۸۵ کشور به ویروس مبتلا، و تا ۱۵ اپریل نزدیک به دو میلیون نفر در سراسر جهان مبتلا شده‌اند. بزرگترین همه‌گیری در جهان، همه‌گیری آنفلوآنزا (که با وجود این‌که از اسپانیا آغاز نشد، به خطا آنفلوآنزای «اسپانیایی» نامیده می‌شود) یک قرن پیش در ۱۹۱۸-۱۹۱۹ رخ داد. واگیری آنفلوآنزا بین ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون نفر را کشت. اشاعه جهانی آنفلوآنزا به دلیل مبتلا کردن سربازانی که در جنگ‌های اول می‌جنگیدند و از طریق حرکت سربازان بود. هند، تحت حکومت بریتانیا، بدترین قربانی بود؛ تخمین زده می‌شود که بین ۱۶ تا ۱۸ میلیون نفر به علت ویروس که به وسیله سربازان هندی که در خارج می‌جنگیدند به داخل آورده شد، جان باختند.

همه‌گیری چند هفته پیش از انقلاب اکتوبر آغاز شد. لنین، به نمایندگی دولت کارگران و دهقانان در اکتوبر فرمان صلح را صادر کرد، و خواهان پایان دادن به خصومت‌ها به وسیله دولت‌های بزرگ شد. فراخوان او به وسیله بریتانیا، فرانسه و ایالات متحده در یکسو، و آلمان و متحدین آن در سوی دیگر، نادیده گرفته شد. بریتانیا و متحدین آن احساس پیروزی داشتند و می‌خواستند به جنگیدن ادامه بدهند. اگر با قرارداد صلح موافقت شده بود، نبرد بهتری علیه آنفلوآنزای کشنده صورت می‌گرفت. زمانی که موج دوم، و مسری‌تر آنفلوآنزا در اکتوبر ۱۹۱۸ رخ داد، ده‌ها هزار سرباز در یک مرگ سریع جان باختند.

این دوره تاریک در تاریخ جنگ جهانی اول، ماهیت غیرانسانی امپریالیسم را نشان داد. طلب سلطه همه ملاحظات انسانی مراقبت از بیمار و در حال مرگ را پایمال کرد.

روسیه در این دوره در جنگ داخلی فرو رفته بود. نیروهای ضدانقلابی جنگ ددمنشانه‌ای را برای نابود کردن انقلاب و دولت کارگران به راه انداخته بودند. در این دوره روسیه فحطی و واگیری‌ها را تجربه کرد. معلوم نیست چه تعداد از

همه‌گیری آنفلوانزا جان باختند. یکی از قربانیان برجسته یاکوف سووردلوف رهبر جوان بلشویک، صدر حکومت جمهوری جوان بود (او کمتر از ۳۴ سال سن داشت).

اندکی پس از پایان جنگ جهانی اول، قدرت‌های امپریالیستی توجه خود را به حمله به روسیه و نابود کردن انقلاب معطوف کردند. یازده کشور در حمایت از نیروهای ضدانقلابی سربار فرستادند. دغدغه آن‌ها سرکوب انقلاب بود، نه همه‌گیری که در بین آن‌ها کشتار می‌کرد.



پیشگام مراقبت بهداشتی عمومی

لنین صدر «شورای کمیسرها»، معادل نخست‌وزیر دولت انقلابی بود و یکی از نخستین گام‌هایی که برداشت درباره بهداشت عمومی بود. در جولای ۱۹۱۸، «کمیساریای خلق برای بهداشت عمومی» تشکیل شد، و کنترل بیماری‌های مسری یکی از اولویت‌های آن بود. لنین در سال ۱۹۲۰ نوشت: «ما باید همه اراده و همه تجربه خود را از جنگ داخلی برای مقابله با اپیدمی‌ها به کار بندیم.»

اهمیت سیاست شوروی نوپا در کتاب گیرا و جذاب «سوار رنگ‌پریده» که در سال ۲۰۱۷ به وسیله لورا اسپینی در باره آنفلوانزای اسپانیایی نوشته شده، توضیح داده می‌شود: «بنا بر این، در سال ۱۹۲۰، روسیه نخستین کشوری بود که یک نظام متمرکز، کاملاً عمومی مراقبت بهداشتی را به اجرا گذاشت. این نظام همگانی نبود، زیرا جمعیت‌های روستائی را زیر پوشش نداشت... اما با این وصف، دست‌آورد عظیمی بود، که نیروی محرکه آن ولادیمیر لنین بود...»

«نظر رسمی از پزشک آینده در سال ۱۹۲۴ دقیقاً تعریف شد، در آن سال دولت از مدارس پزشکی خواست پزشکی را تولید کنند که از جمله «توانائی مطالعه شرایط شغلی و اجتماعی که موجب بیماری می‌شوند و نه فقط درمان بیماری، بلکه ارائه راه‌های پیشگیری از آن‌را» داشته باشند. لنین می‌دانست که طب نباید فقط بیولوژیک یا تجربی باشد، بلکه باید جامعه‌شناسانه نیز باشد و این حوالی زمانی بود که اپیدمیولوژی- علم رفتارها، علت‌ها و معلول‌ها در بیماری، که سنگ‌پایه بهداشت عمومی است به مثابه یک علم رسمیت کامل یافته بود.» (لورا اسپینی، «سوار رنگ‌پریده: آنفلوانزای اسپانیایی ۱۹۱۸ و چگونه آن جهان را تغییر داد»، انتشارات کیپ، ۲۰۱۷).*

لنین و حکومت سوسیالیستی نوین در عرصه‌های بهداشت عمومی و جنگ علیه بیماری‌های واگیردار اینچنین پیشگام بودند. و چه تقابلی با اقدامات قدرت امپریالیستی اول امروز!

همه‌گیری باشد یا نه، ایالات متحده به جنگ اقتصادی و سیاسی خود علیه کوبا، ونزویلا و ایران ادامه می‌دهد. ایالات متحده، حتا به زیان متحدین خویش، به دنبال مصادره وسایل پزشکی برای خود است. وزیر کشور دولت برلین تغییر مسیر محموله ماسک صورت به مقصد المان را به ایالات متحده به مثابه «یک عمل دزدی بحری مدرن» محکوم کرد. در حالی‌که در ایالات متحده هزاران نفر به دلیل نظام مراقبت بهداشتی گران و شدیداً خصوصی‌شده آن می‌میرند، ترمپ پرداخت سهم ایالات متحده به بودجه سازمان جهانی بهداشت را متوقف کرده و آن را به هم‌دستی با چین در سرپوش نهادن بر اشاعه ویروس کرونا متهم می‌کند.

در این روزهای همه‌گیری، بی‌ناید مشاهدات داهیانة لنین را درباره امپریالیسم، و تلاش‌های خستگی‌ناپذیر او را برای ایجاد یک نظام انسانی-سوسیالیسم- در اتحاد شوروی به یاد آوردیم.

Laura Spinney, *Pale Rider: The Spanish Flu Of 1918 and How it Changed the World*, Cape, 2017

* توضیح عدالت: مکاشفه یوحنا در انجیل درباره آخرالزمان می‌گوید: «ناگاه اسب رنگ‌پریده‌ای ظاهر شد که سوارش مرگ نام داشت. به دنبال او اسب دیگری می‌آمد که نام سوارش دنیای مردگان بود. به آن دو اختیار داده شد، تا یک چهارم زمین را به وسیله جنگ، قحطی، بیماری و جانوران وحشی نابود کنند.»

منبع: دمکراسی مردم
تارنگاشت عدالت